

پرامودیا آنانتا تور

زمین‌انای بشر

ترجمه‌ی
تهمینه زاردشت



مقدمه‌ی مترجم فارسی

پرام، پرامودیا آنانتا تور، در سال ۱۹۲۵ در جاوه متولد شد. از جمله‌ی کسانی است که عمری را در زندان سپری کرده است. اولین بار دولت هلند به جرم عقاید «ضداستعماری» از سال ۱۹۴۷ به مدت دو سال او را زندانی کرد. پس از استقلال اندونزی، در سال ۱۹۶۰ کتابی در انتقاد از سیاست ضدچینی سوکارنو، رئیس‌جمهور اندونزی نوشت و دوباره زندانی شد. و بار دیگر در سال ۱۹۶۵، این بار به اتهام ارتباط با حزب کمونیست اندونزی. در همین دوران بود که نوشتن چهارگانه‌ی بورو را شروع کرد. در زندان حق نداشت از کاغذ و قلم استفاده کند و داستان را برای هم‌سلولی‌هایش تعریف می‌کرد. تکه‌کاغذهایی که بالآخره این داستان روی آن‌ها نوشته شد به دست دوست پرام که کشیشی آلمانی بود قاچاقی از زندان خارج شد. پرام در سال ۱۹۷۹ از زندان آزاد شد اما تا سرنگونی سوهارتو در سال ۱۹۹۸ در حصر خانگی به سر برد. هشت سال بعد، در سال ۲۰۰۶، پرام فوت کرد.

چهارگانه‌ی بورو که «زمین ابنای بشر» اولین جلد آن است، داستان مینکی، جوان بومی، و رشد فکری او در مسیر تجربیات زندگی است. کتاب‌های تاریخ آکنده‌اند از شرح حوادث زندگی ملت‌ها و نظریه‌های تاریخی نیز آکنده از شرح چرایی و چگونگی این حوادث. اما آن‌چه رمان تاریخی را از تاریخ و نظریه‌هایش متمایز و ممتاز می‌کند، این است که در رمان تاریخی به جای یک ملت، توده‌ای بی‌شکل، با یک فرد مواجه هستیم. خواننده‌ی رمان تاریخی در مواجهه با زندگی

فردی که در بستری از زمان و مکان (تاریخ) می‌گذرد، همراه با این فرد شادی‌ها و غم‌ها و کام و ناکامی‌ها را از سر می‌گذرانند، به عبارتی با او زندگی می‌کند. آن هم لحظه‌به‌لحظه، نه در دوره‌ای از تاریخ. اما بی‌تردید شرح حال و توصیف رویارویی‌های فرد با حوادث زندگی در زمینه‌ای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و کلیت زیستی آن فرد امکان‌پذیر است. پرام در این چهارگانه با همین نگاه کلی به زندگی فرد، رشد «مینکی» را به تصویر می‌کشد: از دانش‌آموز دبیرستان هلندی شیفته‌ی استعمارگران سرزمینش تا جوانی عاشق و بالآخره انسانی آزاداندیش. پرام در نگارش این رمان از زندگی تیرتو آدی سورویو^۱، روزنامه‌نگار و منتقد سرسخت دولت استعماری هلند الهام گرفته است.

آغاز ترجمه‌ی این چهارگانه سال‌ها طول کشید. به چند دلیل. اول این‌که، برای اولین بار از زبان دوم (انگلیسی) ترجمه می‌کردم. مسئله‌ی ترجمه از زبان دوم این است که برخی ظرایف زبانی و اشاره‌های فرهنگی در این ترجمه ناگزیر از دست می‌روند و مترجم دوم تا حد زیادی به برداشت‌های مترجم اول متکی است. شاید به همین دلیل اولین بار که جلد اول را خواندم، هم مشغول کشف دنیایی تازه بودم و هم عملاً سردرگم مانده بودم. در این رمان، آمیزه‌ی دین (اسلام) و اعتقاد به اجداد، روابط بین بومیان، مهاجران و استعمارگران، مناسبات نژادی، زبانی و جنسیتی فضای غربی به وجود آورده است. ابزار استعمار این سرزمین (همان‌طور که مترجم انگلیسی توضیح داده و خواننده نیز بعد از خواندن رمان به آن پی می‌برد) نیز ابزاری فرهنگی است. برای مثال باید‌ها و نباید‌های کاربرد زبان خاص در هر طبقه مؤثرتر از برخورد قهری با بومی‌هاست و تأثیر درونی‌تری دارد. خواندن این رمان ما را درباره‌ی موقعیت اندونزی، تاریخچه‌ی استعمار این کشور و روابط این جزیره با کشورهای همسایه کنجکاو می‌کند.

این رمان علاوه‌بر زندگی و رشد مینکی جوان، تصویری است نزدیک و دقیق از موقعیت زنان طبقات مختلف در اندونزی اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیست. علاوه‌بر تفاوت‌ها و تمایزهای زبانی و نژادی، جنسیت و قوانین (شرعی و حقوق به‌اصطلاح مدنی) حاکم بر جنسیت نیز در رویدادهای رمان نقش برجسته‌ای دارند. فرقی نمی‌کند زنی را به هم‌خوابگی فروخته باشند یا مشغول کارگری جنسی

1. Tirto Adi Suryo (۱۹۱۸-۱۸۸۰)

باشد یا کارگری مزرعه. در هر صورت جنسیت او سنگ‌بنای سرنوشت اوست. دشوارترین سد راه ترجمه‌ی این چهارگانه یافتن لحنی بود مناسب همین آدم‌ها با این نوع روابط خانوادگی، دوستانه، اجتماعی، شغلی و حتی عاشقانه. زمانی جایی خواننده بودم، اصطلاح خاور ابداع نژادپرستانه‌ی اروپاییان است برای متمایز ساختن خودشان از کسانی که نسبت به آن‌ها در شرق کوهی زمین می‌زیستند. از خودخواهی انسان غربی است که خود را مرکز عالم می‌داند و به نسبت این مرکزیت، دنیا را به شرق و غرب تقسیم می‌کند اما در فضایی کاملاً منطبق با همین تقسیم‌بندی، مطالعه و حتی سیاحت‌های ما نیز بیش از شرق به غرب تمایل دارد. ما طالب افکار نو، اجناس نو، دیدگاه نو و دنیای نو هستیم. و این دنیای نو نه در شرق عالم که در غرب آن یافت می‌شود. شاید از این دیدگاه، ترجمه‌ی رمانی چهارجلدی متعلق به نویسنده‌ای از دنیایی کاملاً ناشناخته در جنوبی‌ترین بخش آسیا، کاری متهورانه و از سر بی‌پروایی به نظر برسد. اما همین دنیای ناشناخته‌ی نویسنده‌ای گمنام که پاهای داستانش نه در عوالم خیال که بر روی همین زمین ابنای بشر استوار است، انگیزه‌ای است قوی برای شناخت آن دنیا، مردم، فرهنگ مختلط و طرز نگاه انسان استعمارشده به حال و همین‌طور آینده‌ای که به قول مینکی ما حالا به آن واصل شده‌ایم.

سپاس گزارم از مهدی کامروز که با سخاوت‌مندی تمام این چهار جلد را تهیه کرد و برایم فرستاد. از الناز سرداری‌نیا که کتاب‌ها را به دستم رساند و دوستش عایشه سانگ کیلانگ^۱ اندونزیایی را به من معرفی کرد که پشت‌گرم بودم به مهر و دوستی و یاری‌اش در فهم گوشه‌هایی از فرهنگ بومی اندونزی. و البته از مهرداد کامروز که پرام را به من معرفی کرد و پشتیبان و مشوقم در مسیر ناهموار این ترجمه بود.

تهمینه زاردشت

شهریور ۱۳۹۶